

بررسی تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی براساس معیارهای «انجمن امریکایی عقب‌ماندگی ذهنی» در گروهی از دانش‌آموزان آموزشگاه‌های کودکان استثنایی اصفهان

نویسنده: دکتر محمدباقر کجباف

استادیار روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

چکیده

قلمرو تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی به معنای امروزی یکی از قلمروهای مهم کاربرد یافته‌های تحولی در سطح روان‌شناسی بالینی است. با توجه به اهمیت شیوه‌های تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی، این مقاله به بررسی تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی براساس معیارهای انجمن امریکایی عقب‌ماندگی ذهنی (American Association on Mental Retardation (AAMR)) در گروهی از دانش‌آموزان آموزشگاه‌های کودکان استثنایی پرداخته است. بدین‌منظور ۱۲۱ آزمودنی به‌طور تصادفی با میانگین سنی ۱۱ سال و ۸ ماه از بین دانش‌آموزان مراکز آموزشی مناطق آموزش و پرورش اصفهان مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. معیارهای انجمن امریکایی عقب‌ماندگی ذهنی در تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی به‌طور عمده عبارتند از:

(الف) بین مقیاس رفتار سازشی لمبرت و آزمون وکسلر رابطه منفی وجود دارد.
(ب) بین مقیاس رفتار سازشی لمبرت و بهره هوش کلامی رابطه معکوس وجود دارد.
(ج) بین مقیاس رفتار سازشی لمبرت و بهره هوش غیرکلامی رابطه معکوس وجود دارد.
(د) بین مقیاس رفتار سازشی لمبرت و بهره هوش کلی رابطه معکوس وجود دارد.
در این پژوهش، مقیاس هوش وکسلر و مقیاس رفتار سازشی انجمن عقب‌ماندگی ذهنی امریکا به‌عنوان ابزارهای ارزشیابی مورد استفاده قرار گرفتند. داده‌های به‌دست آمده با بهره‌گیری از روش‌های آماری توزیع فراوانی، میانگین، انحراف معیار و ضریب همبستگی پیرسن تحلیل شده‌اند. این تحلیل‌ها نشان می‌دهند که بین پاره تست‌های وکسلر با مقیاس رفتار سازشی لمبرت، رابطه منفی و معنادار ($P < 0/01$) دیده می‌شود. نتیجه پژوهش آن است که معیارهای تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی امریکا در تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی در کودکان ایرانی معتبر است.

واژه‌های کلیدی: عقب‌ماندگی ذهنی، کودکان استثنایی، دانش‌آموز

دوماهنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال دهم - دوره جدید

شماره ۱

آبان ۱۳۸۲

مقدمه

چرخه تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی، چرخه دشواری است و تصمیم‌گیری در این مورد بسیار مشکل و حساس به نظر می‌رسد. برای تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی اولین «مقیاس هوش» (Intelligence Scale) در کشوری ساخته شده که نظام متری را به وجود آورده بود. این مقیاس با تمام تجدید نظرها تحول یافت و بهره هوش را به منظور تمایز عقب‌مانده از بهنجار به دست داد. بهره هوش در حقیقت براساس رابطه میان سن عقلی و سن تقویمی مشخص می‌شود. نکته مهم این است که آیا بهره هوش ثابت است یا ناپایدار و بر این مبنا، بحث پایداری بهره هوش مطرح می‌شود. (وکسلر) (Wechsler, D.) در فصل مبسوطی از کتاب «اندازه‌گیری هوش بزرگسالان» به بررسی مفهوم سن عقلی و بهره هوشی پرداخته است. وی در این فصل به حفظ و تشدید در هم‌بینی‌هایی پرداخته که تأسف بارترین آن‌ها مفهوم ثبات بهره هوشی است که آن را در دو معنای بسیار متفاوت به کار برده، بدون آن‌که این دو را به روشنی از یکدیگر متمایز سازد: یکی به معنای متداول (یک بهره هوش پایدار است به شرط آن‌که در یک کودک در سنین مختلف دارای ارزش ثابتی باشد) و دیگری به معنای جدید (بهره هوش پایدار است چنانچه محاسبه آن برای نقاط مشابه روی خطوط توزیع سنین پی در پی دارای ارزش ثابتی باشد). بهره هوش به معنای متداول در واقع مبتنی بر مسأله پیش‌بینی وضع یک فرد است که باید عملاً در کودکان مورد بررسی قرار گیرد. اما معنای جدید این مسأله، پیش‌بینی وضع فردی را، از طریق یک استدلال کلی در جهت تأکید بر عدم مطابقت بین بهره هوش و موضع فرد در گروه سنی واقعی، به پشت صحنه می‌راند. این عدم تطابق لزوماً عدم پایداری بهره هوش را به معنای متداول کلمه دربر نمی‌گیرد، مگر آن‌که این اصل را وضع کنیم که کودک واقعی متمایل به حفظ موضع خویش در گروه سنی خود دارد که این نکته به هیچ‌وجه اثبات نشده است. مع‌ذلک این چیزی است که وکسلر می‌پذیرد، آن هم به دلایلی که در سطور بعد خواهیم دید. اگر دلایلی که وکسلر به آن‌ها استناد می‌کند، تردیدآمیزند، به عکس نتیجه‌گیری او روشن است.

بهره هوش (سن عقلی / سن واقعی) یک شاخص بسیار ناپایدار و قابلیت اعتماد آن اندک است و در نتیجه

نمی‌توان آن را به‌عنوان یک شاخص معتبر به کار برد [۱]. مریبان کودکان عقب‌مانده ذهنی در پژوهش‌هایی به این نتیجه رسیدند که استفاده از بهره هوش مشکل را حل نمی‌کند و لزوماً همواره با داده درستی روبه‌رو نبوده‌اند. بنابراین در پی روشی معنادارتر برای تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی و طیفی از رفتار بودند که در بهره هوش گنجانده نشده است؛ زیرا آنچه به‌طور سنتی بهره هوش نامیده می‌شود لزوماً طیف رفتار را دربر ندارد. بنابراین مسأله توانمندی سازشی کودکان عقب‌مانده ذهنی مطرح می‌شود، یعنی آنچه در عمل می‌توانند، می‌فهمند، درک می‌کنند و انجام می‌دهند [۲]. این حرکت سبب ایجاد زمینه‌ای برای تهیه مقیاس‌های جدید درکنار مقیاس‌هایی شد که هدفشان تعیین بهره هوش بود. این مقیاس‌های جدید که درجه تطبیق، سازش، صلاحیت‌ها و کفایت‌های عملی کودکان عقب‌مانده را ارزشیابی می‌کنند، به این دلیل زیاد فراگیر نشدند که ساختن و تطبیق آن‌ها بسیار مشکل است، زیرا انبوهی از داده‌های محیطی و فرهنگی در آن‌ها انباشته شده و نیاز به کوشش تطبیقی بسیار طولانی‌تر در مقایسه با تطبیق‌هایی که در قلمرو تست‌سازی متعارف به کار بسته می‌شوند، دارند.

یکی از این کوشش‌ها بررسی ارتباط آزمون هوش وکسلر با مقیاس رفتار سازشی لمبرت (Lambert, N.) در تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی است و مادر این پژوهش در پی تبیین چنین ارتباطی هستیم.

گستره علمی مسأله مورد بررسی

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی است. با توجه به روی‌آورد مبتنی بر روان‌سنجی و تعیین میزان ارتباط معیارهای مختلف آزمون وکسلر و مقیاس رفتار سازشی لمبرت، در این بررسی، کوششی در راه دستیابی به داده‌های بنیادی، تحولی و در عین حال افتراقی، به عمل می‌آید. در سطور بعد به مطالعه ابعاد مسأله مورد بررسی، پایگاه‌های علمی و هدف‌های پژوهش سؤال‌ها و فرضیه‌های پژوهش خواهیم پرداخت.

ابعاد مسأله مورد بررسی

موضوع مورد مطالعه در این پژوهش، بررسی تشخیص

علیه یک طیف فزاینده محرک‌های متناسب با آن‌ها است». مؤلف دیگری به نام «پاترسن» (Paterson, G.R.) که از پیشگامان طراحی مقیاس مرکب به‌شمار می‌رود مقیاسی پیشنهاد کرد که شامل ده آزمون فرعی یا پاره تست بود. این مقیاس الگویی برای سازندگان مقیاس‌های عملی شد. در سال ۱۹۳۹ «وکسلر» روان‌شناس بیمارستان «بلویو» (Bwllvue) در نیویورک، یک مقیاس مرکب به نام «وکسلر و بلویو» به‌منظور سنجش هوش بزرگسالان منتشر کرد و پس از آن نیز مقیاسی به نام «ویسک» (WISC: wechsler Intelligence Scale for children) که قابلیت کاربرد در کودکان را داشت، ارائه داد [۱].

وکسلر در سال ۱۹۴۴ هوش را چنین تعریف کرده است: «ظرفیت کلی یا پیچیده فرد، در عمل کردن با یک هدف معین، در فکر کردن، به طریقی به‌جا و متناسب و در داشتن مناسبات سودمند با محیط» [۳].

بهره هوش از دیدگاه وکسلر در واقع یک ارزشیابی بر حسب پراکندگی است و به منزله نسبت سن عقلی به سن تقویمی نیست و به همین علت، بهره هوش استاندارد نامیده می‌شود.

به نظر می‌رسد که تعاریف مختلف هوش را در سه گروه بزرگ می‌توان طبقه‌بندی کرد:

– گروه اول هوش را نوعی همسازی و سازش کامل یا محدود فرد با محیط می‌دانند (مثل پیه‌رون (Pieron, H.)، اشترن (Stern, W.)). می‌توان تعاریفی که هوش را سازش کلی با همه مسائل و موقعیت‌های تازه زندگی تلقی می‌کنند نیز در این دسته قرار داد (مثل گشتالت (Gestalt)) [۴].

– گروه دوم هوش را به‌عنوان استعداد یادگیری تلقی می‌کنند و استعداد تعلیم‌پذیری فرد به معنای عام را نشانه هوش می‌دانند.

– سومین گروه، تعاریفی هستند که هوش را به منزله استعداد فکر کردن به طریق انتزاعی، استعداد به‌کار بردن مفاهیم، رمزها و خصوصاً حل مسائلی که به‌کار بردن رمزهای کلامی و عددی در آن‌ها ضروری است می‌دانند [۴].

این سه دسته تعریف، یکدیگر را نفی نمی‌کنند. استعداد یادگیری می‌تواند پایه‌ای برای سازش و تطبیق با موقعیت‌های جدید باشد.

عقب‌ماندگی ذهنی براساس معیارهای انجمن امریکایی عقب‌ماندگی ذهنی (مقیاس وکسلر و مقیاس رفتار سازشی لمبرت) در کودکان و نوجوانان پسر و دختر آموزشگاه‌های کودکان استثنایی در سطح اصفهان است.

با نظری اجمالی بر تحقیقات انجام شده درباره تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی در می‌یابیم که در مورد ضوابط تشخیص و شیوه‌های سنجش عقب‌ماندگی ذهنی بین مؤلفان توافق چندانی وجود ندارد. لزوم دستیابی به شیوه‌های دقیق‌تر و کارآمدتر تشخیص در قلمرو عقب‌ماندگی ذهنی، بیش از پیش احساس می‌شود؛ زیرا موفقیت همه روش‌های آموزشی و پرورشی در گرو شکل‌گیری تشخیص‌های درست است.

پایگاه‌های علمی و هدف‌های پژوهش

به‌رغم تعاریف متعددی که درباره هوش و عقب‌ماندگی ذهنی وجود دارد، تعریف هر مؤلف، جنبه خاصی از هوش و عقب‌ماندگی ذهنی را نشان می‌دهد. تنوع تعاریف اگرچه نشان‌دهنده این است که روان‌شناسان در مورد هوش و عقب‌ماندگی ذهنی هم رأی نیستند، ولی باعث درک بهتری از عقب‌ماندگی ذهنی و عوامل مؤثر بر آن می‌شود. در سال ۱۹۰۵ «بینه» همراه «سیمن» اولین مقیاس متری هوش را منتشر ساخت. این مقیاس از تعدادی پرسش تشکیل شده بود که کودکان کم‌استعداد و عقب‌مانده را تعیین می‌کرد. در بازنگری سال‌های ۱۹۰۸ و ۱۹۱۱ نیز گرایش به تصفیه مقیاس از این لحاظ مشاهده می‌شود که مواد پرسشنامه و آزمون باید هوش را ارزشیابی کند، نه فقط معلومات را؛ اما با وجود این، بسیاری از انتقادات بعدی دقیقاً درباره این نکته است و از بینه انتقاد کرده‌اند که ارزشیابی هوش را تحت تأثیر ارزشیابی معلومات قرار داده است [۱].

بالاخره آخرین تجدید نظر مقیاس توسط «زازو» (Zazzo, R.) «ژیلی» (Gilly, M.) و «راد» (Rod, M.) در سال‌های ۱۹۶۶ انجام شد. آن‌ها توضیحات گسترده‌ای درباره اصولی که مؤلفان در انتخاب مواد و ساختن مقیاس خود پذیرفته‌اند ارائه کرده‌اند. امروزه آخرین تجدید نظر مقیاس بینه - سیمن مورد استفاده روان‌شناسان قرار می‌گیرد. «پرتئوس» (Potcus, S.D.) در تبیین هوش تعریف خاصی ارائه و تصریح کرد: «هوش ظرفیت ایجاد واکنش‌های هم‌نوا (پاسخ‌های طرح‌ریزی شده) (Planned-responses)

کنش‌های سازشی را لااقل در دو زمینه نشان می‌دهد و به‌طور معنادار از لحاظ بهره هوش زیر میانگین قرار دارد. رفتارهای سازشی در چهارمین تجدید نظر انجمن امریکایی عقب‌ماندگی ذهنی تحت عنوان مهارت‌های سازشی با ضابطه «ب» در ضوابط تشخیص DSMIV همخوانی دارد. همچنین استقرار عقب‌ماندگی در فرد باید قبل از ۱۸ سالگی باشد [۷]. روان‌شناسان و پرورشکاران برای تشخیص کودکان مبتلا به عقب‌ماندگی ذهنی و ناتوانی یادگیری، روش‌های چندگانه و گسترده ارزیابی کلامی، رفتاری، حرکتی - پزشکی و روان‌شناختی را پیشنهاد کرده‌اند. از این رو، برای شناسایی و تشخیص کودکان عقب‌مانده ذهنی، علاوه بر بهره هوش، اطلاع از رفتار سازشی آنان بسیار با ارزش است. کاربرد سنجش رفتار سازشی به‌عنوان یکی از ملاک‌های تشخیص کودکان عقب‌مانده ذهنی و سازش‌نا یافته در تحقیقات مشاهده شده است [۸].

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، بررسی معیارهای انجمن امریکایی عقب‌ماندگی ذهنی و نحوه ارتباط بین آزمون وکسلر و مقیاس سازشی در قلمرو تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی است. براساس هدف فوق، ویژگی‌های نمونه‌ای از افراد عقب‌مانده ذهنی از لحاظ مؤلفه‌های بهره هوش کلامی، غیرکلامی و کلی و همچنین مؤلفه رفتارهای سازش یافته مورد بررسی قرار گرفته است.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از: بین مقیاس رفتار سازشی لمبرت و آزمون وکسلر رابطه معکوس وجود دارد. فرضیه‌های فرعی عبارتند از:

۱. بین مقیاس رفتار سازشی لمبرت و بهره هوش کلامی رابطه منفی وجود دارد.
۲. بین مقیاس رفتار سازشی لمبرت و بهره هوش غیرکلامی رابطه منفی وجود دارد.
۳. بین مقیاس رفتار سازشی لمبرت و بهره هوش کلی رابطه معکوس وجود دارد.

براساس تعاریف مختلف از هوش، اینک به بررسی ویژگی‌های تشخیصی عقب‌ماندگی ذهنی براساس DSMIV می‌پردازیم.

عقب‌ماندگی ذهنی عمدتاً براساس یک کنش وری عقلی عمومی که در حد معنادار زیر متوسط باشد (ضابطه الف) و همراه بودن آن با محدودیت‌های معنادار کنش سازشی لااقل در دو زمینه از زمینه‌های کسب مهارت که در پی می‌آیند مشخص می‌گردد: ارتباط با دیگری، مواظبت از خود، زندگی خانوادگی، مهارت‌های اجتماعی و بین شخصی، نحوه استفاده از امکانات همگانی، اداره کردن خود، مهارت‌های تحصیلی کنشی، و بهداشت و ایمنی (ضابطه ب). همچنین استقرار عقب‌ماندگی ذهنی در فرد باید قبل از ۱۸ سالگی باشد (ضابطه ج). کنش وری عقلی عمومی یا بهره هوش که از راه سنجش با تست هوش استاندارد شده فردی، مانند مقیاس بازنگری شده هوش وکسلر برای کودکان، مقیاس استنفورد - بینه، مجموعه تست‌های سنجش کودکان کوفمن، یا با بیش از یک تست به‌دست آمده باشد، تعریف می‌شود [۵].

کنش وری عقلی عقب‌مانده ذهنی خفیف به‌طور معنادار زیر متوسط با بهره هوش ۷۰ یا پایین‌تر (تقریباً دو انحراف معیار پایین‌تر از میانگین) مشخص می‌شود. رفتار سازشی مربوط به این امر است که فرد چگونه خود را به‌گونه‌ای مؤثر با خواسته‌های زندگی روزمره وفق می‌دهد و این همسازی تا چه حد با استانداردهای استقلال شخصی، آن هم در مقایسه با گروه همسن مختص وی، و سوابق اجتماعی - فرهنگی و محیطی که در آن زندگی می‌کند، مطابقت می‌کند. رفتار سازشی ممکن است تحت تأثیر عوامل گوناگون، نظیر تربیت، انگیزش، ویژگی‌های شخصیت، امکانات اجتماعی و حرفه‌ای و اختلالات روانی و شرایط طبی عمومی که ممکن است با عقب‌ماندگی ذهنی توأم باشد، قرار گیرد. به نظر می‌رسد که مسائل قلمرو سازشی بیش‌تر با کوشش‌های ترمیمی بهبود می‌یابند تا بهره هوش که گرایش به پایداری بیش‌تر دارد [۶].

عقب‌ماندگی ذهنی براساس A.A.M.R

ضوابط تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی در چهارمین تجدید نظر انجمن عقب‌ماندگی ذهنی امریکا چنین بیان شده که عقب‌ماندگی ذهنی چنان است که محدودیت‌های معنادار

تعاریف عملیاتی واژه‌ها

عقب‌ماندگی ذهنی

رایج‌ترین تعریف در خصوص عقب‌ماندگی ذهنی، تعریفی است که توسط انجمن عقب‌ماندگی ذهنی آمریکا، در قالب نظری و عملی ارائه شده است. از لحاظ نظری، عقب‌ماندگی ذهنی چنین تعریف شده است: عقب‌ماندگی ذهنی، عملکرد پایین‌تر از متوسط در کلیه امور ذهنی است که همزمان با مشکلات و کاستی‌ها در رفتارهای سازشی آشکار می‌شود و در دوران رشد جسمی ذهنی - روانی فرد پدیدار می‌گردد.

از لحاظ عملی عقب‌ماندگی ذهنی به شرح زیر تعریف می‌شود: نمره احراز شده بر مبنای آزمون‌های هوش میزان شده باید از ۹۷ تا ۹۸ درصد همسالان پایین‌تر باشد. همچنین داشتن مشکلات در استقلال شخصی و مسئولیت اجتماعی که از سن و گروه فرهنگی او انتظار می‌رود (آموختن مهارت‌های آموزشگاهی اساسی، مشارکت در فعالیت‌های گروه اجتماعی مناسب). همین‌طور این مشکلات باید در دوران کودکی قابل مشاهده باشد، زیرا مشکلات مشابه که در زمان بزرگسالی پدید می‌آید باید جزء بیماری‌های روانی یا آسیب‌های مغزی تقسیم‌بندی شود، نه به‌عنوان عقب‌ماندگی ذهنی [۹].

به عبارت دیگر «عقب‌ماندگی ذهنی مربوط می‌شود به کنش (عملکرد) پایین‌تر از حد متوسط عمومی هوش که در دوران رشد ظاهر شده، همراه با اختلالاتی در رفتار سازشی است». اختلال در رفتار سازشی یا انطباقی در یک زمینه یا بیش‌تر، در این زمینه‌ها است: ۱) رشد یا بلوغ، ۲) یادگیری، ۳) سازگاری اجتماعی [۱۰].

در این پژوهش براساس دو معیار فوق با استفاده از آزمون وکسلر (بهره هوش پایین‌تر از ۷۵) و مقیاس رفتار سازشی لمبرت (محدودیت یا اختلال در دو زمینه از رفتارهای سازشی) به تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی پرداختیم.

سازش نیافتگی، حالت فردی است که نمی‌تواند خود را با محیط تطبیق دهد و از تعالیم آن استفاده کند. سازش نیافتگی ممکن است مربوط به محیط خانوادگی، آموزشگاهی، کار و غیره باشد. در این پژوهش، سازش نیافتگی به‌عنوان مفهومی در نظر گرفته شده که به‌وسیله پرسشنامه لمبرت، ویندمیلر (Windmiller, M.)، کول

(Cole, L.) و فیگروا (Figueroa, R.) در سال ۱۹۷۴ سنجیده می‌شود و منظور، نمره‌ای است که آزمودنی در این پرسشنامه کسب می‌کند و در صورتی که از هفتاد و پنج درصد گروه همسن خود بالاتر نمره آورده باشد، آزمودنی در طیف عقب‌ماندگان ذهنی قرار می‌گیرد.

در این پژوهش، کودکانی که در گروه‌های سنی «۱۰ تا ۱۰ سال و ۱۱ ماه»، «۱۱ تا ۱۱ سال و ۱۱ ماه» و «۱۲ سال تا ۱۲ سال و ۱۲ ماه» قرار دارند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۲- روش

جامعه آماری و گروه‌های نمونه

جامعه آماری در این پژوهش مجموعه دانش‌آموزان کلاس‌های اول تا پنجم آموزشگاه‌های کودکان استثنایی اصفهان هستند که براساس آمار اداره آموزش و پرورش کودکان استثنایی اصفهان در سال ۷۶-۱۳۷۵، ۵۰۰۰ نفرند که در مدارس کودکان استثنایی تحصیل کرده‌اند.

گروه‌های نمونه از جامعه آماری به تعداد ۱۲۱ دانش‌آموز پسر و دختر به‌عنوان گروه نمونه انتخاب و به دو گروه پسران و دختران به ترتیب ۶۴ و ۵۷ نفر تقسیم شدند. گروه‌های نمونه با آزمون‌های مختلف عقب‌ماندگی ذهنی مورد بررسی قرار گرفتند.

روش نمونه‌برداری

با توجه به این‌که وکسلر در سنین ۱۰ تا ۱۳ سالگی در ایران هنجارگزینی شده بود، ناگزیر نمونه مورد بررسی در این سنین انتخاب شد. روش انتخاب نمونه مورد بررسی در این تحقیق، نوعی نمونه‌گیری تصادفی، یعنی روش نمونه‌گیری خوشه‌ای است. در نمونه‌برداری خوشه‌ای، واحد اندازه‌گیری «فرد» نیست، بلکه گروهی از افراد هستند که به‌طور طبیعی شکل گرفته و گروه را تشکیل داده‌اند. بدین جهت در این تحقیق از میان نواحی پنجگانه آموزش و پرورش اصفهان، چهار ناحیه به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب گردید و از بین آموزشگاه‌های استثنایی هر یک از مناطق، دو آموزشگاه به‌طور تصادفی انتخاب شد و پس از بررسی شناسنامه کودکان، از بین افرادی که در سنین ده تا سیزده سال قرار داشتند به نسبت جمعیت هر منطقه آموزشی، تعدادی انتخاب گردیدند.

ابزارهای ارزشیابی و شیوه اجرای آزمون‌ها

در این بررسی، مقیاس هوش وکسلر برای کودکان (تجدید نظر شده) و مقیاس سازشی استفاده شده است که شرح مختصر هر یک در پی می‌آید:

۱. مقیاس هوش وکسلر برای کودکان (تجدید نظر شده): مقیاس تجدید نظر شده وکسلر برای کودکان، یک آزمون معتبر در سطح بین‌المللی است. در ایران این آزمون برای کودکان در سنین ۱۰ تا ۱۳ هنجارگزینی شده است [۱۱]. به دلیل رعایت مسائل فرهنگی در این تحقیق، آزمون هنجارگزینی شده در شیراز توسط سیما شهیم به کار بسته شده است. این مقیاس به صورت انفرادی اجرا شده است. پژوهش‌هایی درباره میزان همبستگی پاره تست‌های وکسلر با یکدیگر و شکل چهارتایی آن با کل مقیاس انجام گرفته و همبستگی بالایی را نشان داده است. یکی از متداول‌ترین شکل‌های چهارتایی مقیاس، متشکل از پاره تست‌های گنجینه لغات، محاسبه، طراحی مکعب‌ها و تنظیم تصاویر است که همبستگی آن با کل مقیاس در هر دو آزمون WAIS-R و WISC از ۰/۹۳ تا ۰/۹۵ است [۱۲].

با توجه به میزان بالای همبستگی فرم چهارتایی با کل آزمون و صرفه‌جویی در وقت، به جای به کار بستن ده پاره تست از هشت پاره تست (شکل چهارتایی آن) در این پژوهش استفاده شده است. پاره تست‌های مقیاس کلامی به کار بسته شده در این تحقیق عبارتند از: اطلاعات، شباهت‌ها، حساب و واژه‌ها. پاره تست‌های مقیاس غیرکلامی که مورد آزمایش قرار گرفته‌اند عبارتند از: تکمیل تصاویر، ترتیب تصاویر، طرح مکعب‌ها و تنظیم قطعات.

۲. مقیاس رفتار سازشی لمبرت و همکاران او: مقیاس رفتار سازشی نخستین بار توسط لمبرت و دیگران در سال

۱۹۷۴ تهیه و روی دانش‌آموزان امریکایی سنین دبستانی هنجارگزینی شد. این مقیاس از ۲۷۰ ماده در دوازده حیطه تشکیل شده است. بخش اول به مسائل تحول و سنجش مهارت‌ها و عادات فردی می‌پردازد و بخش دوم به منظور سنجش رفتارهای سازش‌نا یافته مربوط به شخصیت و اختلالات رفتاری طرح ریزی شده است. بخش دوم این مقیاس در ایران هنجارگزینی شده است [۸]. و مشکلات فرد را در تحول شخصی و اجتماعی نشان می‌دهد. در این پژوهش، بخش اخیر مورد استفاده قرار گرفته است. پرسشنامه‌ها به معلمین ارائه شد و جهت پاسخگویی به سؤالات، راهنمایی‌های لازم به عمل آمد. دانش‌آموزانی که با مقیاس وکسلر تست شده بودند جهت سنجش رفتار سازشی با این پرسشنامه به وسیله معلمین آن‌ها استفاده شد. پرسشنامه‌ها پس از گذشت ۶ ماه رفتارهای مورد نظر را مورد ارزیابی قرار دادند و در صورت لزوم از والدین آن‌ها جهت پاسخگویی به برخی سؤالات کمک گرفته شد. تلاش معلمین بر آن بود تا با بررسی رفتارهای دانش‌آموزان پرسش‌ها به دقت پاسخ داده شود. با توجه به جداول هنجارگزینی شده در ایران، در صورتی که نمره‌های درصدی هر دانش‌آموز حداقل در دو حوزه مهارتی از ۷۵ درصد بالاتر باشد محدودیت در رفتار سازشی او آشکار شده، به‌عنوان یکی از معیارهای شناخت عقب‌ماندگی ذهنی به کار بسته شد.

نتایج

بررسی نتایج پژوهش ابتدا با توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی براساس بهره هوش، سن، جنس و پایه تحصیلی و رفتار سازشی آغاز می‌شود.

جدول ۱ گروه نمونه را برحسب سن و جنس نشان می‌دهد.

جدول ۱ توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی برحسب سن و جنس

کل	دختر		پسر		جنس شاخص‌ها سن به سال
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۲۱/۴۸	۲۶	۱۳/۲۲	۱۶	۸/۲۶	۱۰-۱۱
۴۲/۱۴	۵۱	۱۹	۲۳	۲۳/۱۴	۱۱-۱۲
۳۶/۳۶	۴۴	۱۴/۸۷	۱۸	۲۱/۴۸	۱۲-۱۳
۱۰۰	۱۲۱	۴۷/۱۰	۵۷	۵۲/۸۹	۱۰-۱۳

جدول ۲ توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی برحسب جنس و پایه تحصیلی

پایه تحصیلی	جنس	پسران		دختران		کل	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
اول		۵	۴/۱۳	۷	۵/۷۸	۱۲	۹/۹۱
دوم		۱۷	۱۴/۰۴	۲۰	۱۶/۵۲	۳۷	۳۰/۵۷
سوم		۲۵	۲۰/۶۶	۲۱	۱۷/۳۵	۴۶	۳۸/۰۱
چهارم		۱۴	۱۱/۵۷	۶	۶/۹۵	۲۰	۱۶/۵۲
پنجم		۳	۲/۴۷	۳	۲/۴۷	۶	۴/۹۵
مجموع		۶۴	۵۲/۸۹	۵۷	۴۷/۱۰	۱۲۱	۱۰۰

جدول ۳ توزیع نمونه مورد بررسی برحسب نواحی و جنس

مناطق آموزش و پرورش	جنس	پسر		دختر		کل	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۱		۲۳	۱۹	۲۳	۱۹	۴۶	۳۸/۰۱
۲		۱۶	۱۳/۲۲	۱۰	۸/۲۶	۲۶	۲۱/۴۸
۳		۱۳	۱۰/۷۴	۱۱	۹/۰۹	۲۴	۱۹/۸۳
۴		۱۲	۹/۹۱	۱۳	۱۰/۴۷	۲۵	۲۰/۶۶
مجموع		۶۴	۵۲/۸۹	۵۷	۴۷/۱۰	۱۲۱	۱۰۰

جدول ۴ توزیع نمونه مورد بررسی برحسب بهره هوش (مقیاس وکسلر)

گروه‌ها	شاخص	بهره هوش	فراوانی	درصدی	درصد تراکمی
عقب مانده ذهنی		۷۰-۷۵ تا ۵۰-۵۵	۷۷	۶۳/۶۳	۶۳/۶۳
مرزی		۷۶-۸۹	۳۳	۲۷/۲۷	۹۰/۸۶
بهنجار		۹۰-۱۱۰	۱۱	۹/۰۹	۱۰۰

جدول ۴ توزیع نمونه مورد بررسی را برحسب بهره هوش براساس مقیاس وکسلر نشان می‌دهد.

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد ۶۳/۶۳ درصد افراد نمونه مورد بررسی، عقب مانده ذهنی، ۲۷/۲۷ درصد آن‌ها مرزی و ۹/۰۹ درصد بهنجار شناخته می‌شوند.

جدول ۵ توزیع نمونه مورد بررسی را براساس بهره هوش و رفتار سازشی نشان داده است.

جدول ۵ نشان می‌دهد که ۵۰/۲۳ درصد دانش‌آموزان با بهره هوش ۵۰-۷۵ دارای محدودیت‌هایی در رفتار سازشی هستند و ۱۲/۳۹ درصد آن‌ها با همین بهره هوشی از سازش یافتگی برخوردارند. همین‌طور ۲۵/۶۱ درصد

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد بیش‌ترین فراوانی به گروه سنی ۱۱ تا ۱۲ سال تعلق دارد و در گروه پسران در این سن، بیش‌تر از دختران فراوانی درصدهی دیده می‌شود.

جدول ۲ توزیع نمونه مورد بررسی برحسب جنس و پایه تحصیلی را نشان می‌دهد.

جدول ۳ توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی را برحسب نواحی و جنس نشان می‌دهد.

همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد تقریباً نیمی از فراوانی درصدهی را پسران و نیمی را دختران تشکیل داده‌اند و در چهار منطقه تقریباً درصد افراد در دو جنس نزدیک به هم است.

بررسی تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی براساس معیارهای «انجمن امریکایی عقب‌ماندگی ذهنی» در گروهی از دانش‌آموزان...

جدول ۵ توزیع نمونه مورد بررسی براساس بهره هوش و رفتار سازشی

رفتار سازشی		سازش یافتگی ندارد		سازش یافتگی ندارد		جمع
شاخص	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
گروه‌ها براساس بهره هوش						
۵۰-۷۵	۶۲	۵۰/۲۳	۱۵	۱۲/۳۹	۷۷	۶۲/۶۲
۷۶-۸۹	۳۱	۲۵/۶۱	۲	۱/۶۵	۳۳	۲۷/۲۷
۹۰-۱۱۰	۶	۴/۹۵	۵	۴/۱۳	۱۱	۹/۰۹
جمع	۹۹	۸۱/۸۲	۲۲	۱۸/۱	۱۲۱	۱۰۰

جدول ۶ توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی برحسب نمره‌های مقیاس وکسلر و معیارهای تشخیص انجمن امریکایی عقب‌ماندگی ذهنی

روش‌های تشخیص		وکسلر		A.A.M.R	
شاخص	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
گروه‌های چهارگانه					
عقب‌مانده ذهنی	۷۷	۶۳/۶۳	۶۱	۵۰/۴	۶۱
مرزی	۳۳	۲۷/۲۷	۳۳	۲۷/۲۷	۳۳
عادی (بهنجار)	۱۱	۹/۱	۵	۴/۱۳	۵
نامشخص	۰	۰	۲۲	۱۸/۲	۲۲
جمع	۱۲۱	۱۰۰	۱۲۱	۱۰۰	۱۲۱

نکته مهم این است که کسانی وجود دارند که با معیارهای انجمن امریکایی عقب‌ماندگی ذهنی، عقب‌مانده شناخته نشده‌اند، ولی یکی از ضوابط و معیارهای تشخیص A.A.M.R را دارند که در این جدول با گروه نامشخص معرفی شده‌اند. بررسی نتایج آزمون‌ها به وسیله آزمون ضریب همبستگی در جدول ۷ نشان می‌دهد که بین برخی از پاره تست‌های مقیاس رفتار سازشی و خرده آزمون‌های وکسلر و بهره هوش کلامی، غیرکلامی و کلی و نمره‌های طراز کلامی، غیرکلامی و کلی رابطه معکوس وجود دارد. همبستگی رفتار خشونت‌آمیز با کلیه پاره تست‌های وکسلر منفی و در چهار مورد معنادار است، این همبستگی با ترتیب تصاویر در حد ۰/۲۴، با تنظیم علائم در حد ۰/۲۲، و با نمره طراز شده غیرکلامی در حد ۰/۲۴، است. از سوی دیگر، همبستگی رفتار ضد اجتماعی با پاره تست‌های کلامی، مثبت، اما با پاره تست غیرکلامی، منفی است و فقط با طرح مکعب‌ها همبستگی مثبت بسیار کمی (۰/۰۹) را نشان می‌دهد.

همان‌طور که جدول ۷ نشان می‌دهد همبستگی رفتار طغیانی با تمام پاره تست‌های وکسلر مثبت یا منفی و

نمونه مورد بررسی با بهره هوش ۷۶-۸۹ یعنی گروه کودکان مرزی، فاقد رفتارهای سازش یافته هستند. در گروه سوم با بهره هوش ۹۰-۱۱۰ تنها ۴/۹۵ درصد افراد نمونه مورد بررسی فاقد سازش یافتگی هستند و ۴/۱۳ درصد با همان بهره هوشی واجد سازش یافتگی‌اند. در مجموع، در نمونه مورد بررسی ۸۱/۸۲ سازش یافتگی ندارند و ۱۸/۱۸ درصد از مجموع توزیع فراوانی‌های نمونه مورد بررسی رفتار سازشی گروه بهنجاران را نشان می‌دهند.

جدول ۶ توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی را برحسب نمره‌های مقیاس وکسلر و معیارهای تشخیص انجمن امریکایی عقب‌ماندگی ذهنی نشان می‌دهد.

همان‌طور که در جدول ۶ دیده می‌شود ۶۳/۶۳ درصد نمونه مورد بررسی براساس مقیاس وکسلر، عقب‌مانده شناخته شده‌اند که ۵۰/۴ درصد آن‌ها براساس معیارهای تشخیصی انجمن امریکایی عقب‌ماندگی ذهنی، عقب‌مانده ذهنی هستند. ۲۷/۲۷ درصد براساس ضوابط تشخیصی A.A.M.R مرزی شناخته شده‌اند و ۹/۱ درصد، افراد نمونه بهنجار هستند. همچنین ۴/۱۳ درصد بر حسب ضوابط A.A.M.R بهنجار هستند.

جدول ۷ نتایج مربوط به همبستگی بین پاره تست‌های مقیاس رفتار سازشی (لمبرت) و پاره تست‌های مقیاس وکسلر (بهره هوش و نمره‌های طراز شده)

نمره هوش کل	نمره ترازا کل	نمره هوش غیر کلامی	نمره هوش کلامی	نمره ترازا غیر کلامی	نمره ترازا کلامی	تنظیم علائم	طرح مکتب‌ها	ترتیب تصاویر	تکمیل تصاویر	واژه‌ها	حساب	شبهات‌ها	اطلاعات	وکسلر رفتار سازشی
-۰/۱۷	-۰/۱۷	-۰/۲۴*	-۰/۰۶	-۰/۲۴*	-۰/۰۴	-۰/۲۲*	-۰/۱۲	-۰/۲۲*	-۰/۲	-۰/۱۴	-۰/۰۵	-۰/۰۰۰۸	-۰/۰۸	خسرت
+۰/۰۸	-۰/۰۸	+۰/۰۲	+۰/۱۳	+۰/۰۲	+۰/۱۶	-۰/۰۳	+۰/۰۹	-۰/۰۰۸	-۰/۰۴	۰/۱	+۰/۱۴	۰/۱۱	+۰/۰۶	ضداجتماعی
+۰/۰۰۱	+۰/۰۰۱	+۰/۰۵	-۰/۰۵	+۰/۰۵	+۰/۰۸	+۰/۰۵	+۰/۰۲	-۰/۰۵	-۰/۰۴	-۰/۰۲	+۰/۰۲	+۰/۰۳	-۰/۰۲	طنیانی
-۰/۱۵	-۰/۱۵	-۰/۱۵	-۰/۱۳	-۰/۱۵	-۰/۱۰	-۰/۱۷	-۰/۱۲	-۰/۰۷	-۰/۱۶	-۰/۱۶	-۰/۱۱	-۰/۰۷	-۰/۱۲	غیر قابل اعتماد
-۰/۲۸**	-۰/۲۸**	-۰/۲۷**	-۰/۲۴*	-۰/۲۷**	-۰/۲۲*	-۰/۲۰	-۰/۱۸	-۰/۲۳*	-۰/۲۲*	-۰/۲۵*	-۰/۲۸**	-۰/۱۱	+۰/۱۵	کناره‌گیری
-۰/۱۸	-۰/۱۸	-۰/۱۹	-۰/۱۳	-۰/۱۹	-۰/۱۱	-۰/۱۶	-۰/۰۳	-۰/۱۶	-۰/۲۰	-۰/۰۲	-۰/۰۵	-۰/۱۳	-۰/۱۵	رفتار قالبی
-۰/۱۴	-۰/۱۴	-۰/۱۱	-۰/۱۳	-۰/۱۱	-۰/۱۱	-۰/۰۶	-۰/۰۸	-۰/۰۸	-۰/۲۶*	-۰/۰۹	-۰/۱۱	-۰/۰۹	-۰/۰۲	اجتماعی نامناسب
+۰/۰۲	+۰/۰۲	-۰/۰۵	+۰/۰۹	-۰/۰۵	+۰/۱۲	-۰/۰۸	-۰/۰۲	-۰/۰۲	-۰/۱۵	+۰/۱۴	+۰/۰۸	+۰/۰۴	+۰/۰۵	عادات صورتی ناپسند
-۰/۱۴	-۰/۱۵	-۰/۱۹	-۰/۰۷	-۰/۱۹	-۰/۰۵	-۰/۱۳	-۰/۰۷	-۰/۱۶	-۰/۲۶*	-۰/۰۴	-۰/۰۲	-۰/۰۵	-۰/۰۱	عادات ناپسند
+۰/۱۰	+۰/۱۱	+۰/۰۲	+۰/۱۷	+۰/۰۲	+۰/۲۰	-۰/۰۸	+۰/۰۷	+۰/۰۹	-۰/۰۵	+۰/۱۷	+۰/۱۲	+۰/۱۲	+۰/۰۸	فزون کنشی
+۰/۱۱	-۰/۱۱	-۰/۱۴	-۰/۰۵	-۰/۱۴	-۰/۰۲	-۰/۱۷	-۰/۰۳	-۰/۰۹	-۰/۲۲*	-۰/۱۱	-۰/۰۳	+۰/۰۳	-۰/۰۴	افتشاشات روانی

* P < ۰/۰۱

** P < ۰/۰۰۱

فرعی اول در یکی از پاره‌های رفتار سازشی مورد تأیید قرار گرفت.

۲. همبستگی رفتار خشونت‌آمیز و کناره‌گیری با بهره‌های هوش غیرکلامی منفی و معنادار ($p < 0/01$) بوده است. رابطه رفتار ضد اجتماعی و فزون‌کنشی با بهره‌های هوش غیرکلامی، مثبت و غیرمعنادار و همبستگی بقیه پاره‌های رفتار سازشی با بهره‌های هوش غیرکلامی، منفی و غیرمعنادار است. بدین ترتیب فرضیه فرعی دوم تحقیق در دو مورد رابطه رفتار خشونت‌آمیز و کناره‌گیری با بهره‌های هوش غیرکلامی تأیید می‌شود و در بقیه موارد تأیید نمی‌شود.

۳. رابطه مقیاس رفتار سازشی در پاره‌های تست کناره‌گیری با بهره‌های کلی، معکوس و معنادار ($p < 0/01$) است و در رابطه با پاره‌های دیگر معنادار نیست. بدین ترتیب، فرضیه فرعی سوم تحقیق در یک مورد از پاره‌های رفتار سازشی صادق است و مورد تأیید واقع می‌شود.

۴. پاره‌های تست‌های وکسلر با یازده حیطه رفتار سازشی ۸۸ ضریب همبستگی رانشان داده که در ۶۸ مورد رابطه منفی و معنادار ($p < 0/01$) وجود دارد. از مجموع ۲۲ ضریب همبستگی، نمره‌های طراز شده کلامی با حیطه‌های رفتار سازشی ۱۵ مورد همبستگی منفی و غیرمعنادار و ۳ مورد منفی و معنادار ($p < 0/01$) مشاهده می‌شود.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

تشخیص و ارزشیابی عقب‌ماندگی ذهنی، موضوع مهمی از موضوعات قلمرو کودکان استثنایی است. همواره تحول روانی از لحاظ سازش یافتگی، و رشد عقلی و عاطفی در درجات مختلف، تبیین‌کننده بهنجاری یا نابهنجاری و از سوی دیگر مبین میزان عقب‌ماندگی ذهنی به‌شمار می‌آید. تعریف‌ها و تمایزها در زمینه هوش در تبیین عقب‌ماندگی ذهنی نقش مهمی ایفا کرده است. برخی از تعاریف، هوش را به‌عنوان استعداد یادگیری و در نتیجه، استعداد تعلیم‌پذیری فرد به معنای عام معرفی کرده‌اند. در نتیجه، عقب‌ماندگی ذهنی با بهره‌های هوش زیرمتوسط نشان‌دهنده استعداد یادگیری محدود خواهد بود. در تعریف دیگری، هوش قدرت «بازساخت‌دهی»

غیرمعنادار است. همچنین همبستگی رفتار غیرقابل اعتماد با همه پاره‌های تست‌های وکسلر رابطه منفی و معکوس را نشان می‌دهد. همبستگی رفتار کناره‌گیری با کلیه پاره‌های تست‌های وکسلر منفی و در موارد زیر معنادار است:

حساب با احتمال ($p < 0/001$) و آژه‌ها، تکمیل تصاویر، ترتیب تصاویر، نمره طراز شده غیرکلامی، بهره‌های هوش کلامی و بهره‌های کلی با احتمال ($p < 0/01$). رفتار قالبی با تمام پاره‌های تست‌های وکسلر در تمام موارد دارای همبستگی منفی است. رفتار اجتماعی نامناسب با پاره‌های تست‌های وکسلر در تمام موارد دارای همبستگی منفی است و تنها در یک مورد (تکمیل تصاویر) این همبستگی معادل $-0/26$ و با احتمال ($p < 0/01$) معنادار و منفی است.

همبستگی رفتار عادات صوتی ناپسند با پاره‌های تست‌های کلامی وکسلر، مثبت ولی اندک، و با پاره‌های غیرکلامی، منفی و غیرمعنادار است. همبستگی عادات ناپسند با پاره‌های تست‌های غیرکلامی، منفی و غیرمعنادار است. همبستگی عادات ناپسند با پاره‌های تست‌های کلامی و غیرکلامی، منفی است و با آزمون تکمیل تصاویر، رابطه منفی و معنادار ($p < 0/01$) را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، فزون‌کنشی با پاره‌های تست‌های کلامی، رابطه مثبت دارد و با تکمیل تصاویر $-0/05$ و تنظیم علائم $-0/08$ رابطه منفی و غیرمعنادار با احتمال ($p < 0/01$) را نشان می‌دهد. در نهایت، همبستگی اغتشاشات روانی در تمام موارد با پاره‌های تست‌های وکسلر، منفی است و در یک مورد (شباهت‌ها) رابطه مثبت و غیرمعنادار و در یک مورد (تکمیل تصاویر) رابطه منفی و معنادار ($p < 0/01$) را نشان می‌دهد. از بررسی به عمل آمده در مورد ضرایب همبستگی بین مقیاس رفتار سازشی و بهره‌های کلی در شش مورد ضریب همبستگی منفی و پنج مورد از رفتارهای سازشی با بهره‌های کلی همبستگی مثبت و در یک مورد (کناره‌گیری) همبستگی منفی و معنادار با احتمال ($p < 0/01$) دیده می‌شود.

نتایج فرضیه تحقیق که در جدول ۷ آمده به شرح زیر است:

۱. رابطه پاره‌های تست‌های مقیاس رفتار سازشی با بهره‌های هوش کلامی (در ۷ پاره تست) منفی و غیرمعنادار و با پاره‌های تست کناره‌گیری با بهره‌های هوش کلامی، معکوس و معنادار ($p < 0/01$) بوده است. بدین ترتیب فرضیه

رفتار برای مؤثرتر کردن آن، جهت سازش با موقعیت‌های جدید است و در نتیجه، عقب‌ماندگی ذهنی، مبین فقدان یا کمبود سازش یافتگی با موقعیت‌های تازه است و اگر هوش را به معنای استعداد فکر کردن به طریقی انتزاعی بخصوص حل مسائل با به‌کار بردن رمزهای کلامی و عددی بدانیم، عقب‌ماندگی ذهنی، ناتوانی در حل مسائل از طریق رمزهای کلامی و عددی شمرده می‌شود.

در نهایت استعداد یادگیری می‌تواند پایه‌ای برای سازش یافتگی به‌شمار آید و در حقیقت، این دو تعریف یک مسأله را توضیح می‌دهند. همچنین مفاهیم کلامی و عددی از راه تجربه به‌دست می‌آید و تجربه در اثر شناخت اشیا و درک ارتباط بین آن‌ها به‌وجود می‌آید.

کودک عقب‌مانده ذهنی همان فردی است که استعداد یادگیری محدود و سازش یافتگی محدود دارد و تجاربی اندوخته است. با توجه به مباحث مذکور می‌توان گفت عقب‌ماندگی ذهنی با مشخصه‌های متفاوتی قابل تشخیص است که در این میان، ما در پژوهش حاضر به دو گستره اصلی به‌منظور شناخت ویژگی‌های عقب‌ماندگان ذهنی توجه کرده‌ایم. در گستره اول به بررسی مؤلفه‌هایی پرداخته‌ایم که بهره‌های هوش کلامی، غیرکلامی، و کلی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد؛ یعنی پاره‌های تست‌های مقیاس وکسلر که عبارتند از: واژه‌ها، اطلاعات، شباهت‌ها و حساب که بهره‌های هوش کلامی را می‌سنجد. بهره‌های هوش غیرکلامی توسط پاره‌های تست‌های تکمیل تصاویر، ترتیب تصاویر، طراح مکعب‌ها و تنظیم قطعات مورد سنجش قرار می‌گیرد. شکل‌گیری طبیعی این مؤلفه‌ها می‌تواند بهره‌های هوش بهنجار را نشان دهد و در صورتی که در فرایند طبیعی آن‌ها اختلال ایجاد شده باشد یا با فقدان و کاستی همراه باشد، با عقب‌ماندگی ذهنی مواجه خواهیم بود. در گستره دوم، علاوه بر بهره‌های هوش در تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی، مقیاس رفتار سازشی به‌کار می‌رود و در صورتی که حداقل در دو زمینه از حیطه‌های رفتار سازشی انجمن امریکایی عقب‌ماندگی ذهنی می‌توان به شناخت میزان عقب‌ماندگی ذهنی دست یافت.

براساس اطلاعاتی که پژوهش حاضر فراهم آورده می‌توان به این تحلیل دست یافت که پاره‌های تست اطلاعات و واژه‌ها، شاخص مناسبی از بهره‌های هوش کلی بوده، نشانگر توانایی کلامی و زمینه تحصیلی فرد است. پاره‌های تست

ریاضی و حساب مستلزم تمرکز، دقت و همچنین مهارت‌های اساسی محاسبه و توانایی به‌کار بستن این مهارت‌ها است. نمره‌های بالا در این پاره‌های تست‌ها نشان‌دهنده هوشیاری و قابلیت تمرکز است. پاره‌های تست شباهت‌ها مستلزم توانایی مفهوم‌سازی کلامی و استدلال انتزاعی است. یک جنبه اساسی سازش یافتگی شخص با محیط خود، به‌کار بستن این توانایی‌ها است. پاره‌های تست تکمیل تصاویر، شاخصی از تمرکز دیداری و یک آزمون اطلاعات عمومی غیرکلامی است. آزمون تنظیم تصاویر و طراحی مکعب‌ها، هر دو، شاخص‌های هوش غیرکلامی هستند. تنظیم تصاویر مستلزم آن است که شخص پیش از اقدام به پاسخ دادن، کل موقعیت را به‌صورت یکپارچه درک کند. پاره‌های تست طراحی مکعب‌ها شامل مهارت در حل مسائل غیرکلامی است؛ زیرا آزمودنی باید مسأله را به اجزای تشکیل‌دهنده آن تجزیه کرده، سپس آن‌ها را برای ساختن کل یکپارچه باهم ترکیب کند. آزمودنی باید منطق و استدلال را به شیوه‌ای به‌کار بندد که بتواند مسائل روابط فضایی را حل کند. طراحی مکعب‌ها به‌عنوان یک آزمون مفهوم‌سازی غیرکلامی، مهارت در سازماندهی ادراکی، تجسم دیداری، روابط فضایی، و مفهوم‌سازی انتزاعی را طلب می‌کند و تنظیم قطعات مانند طراحی مکعب‌ها، آزمون خوبی برای هماهنگی و کنترل حرکتی است. در این آزمون، آزمایش‌کننده امکان می‌یابد که سبک حل مسأله آزمودنی و واکنش او در برابر موفقیت یا شکست را به‌طور مستقیم مشاهده کند. این آزمون و پاره‌های قبلی یک موقعیت باز را ارائه می‌کنند و آزمودنی‌ها آزادانه به فعالیت خود می‌پردازند. آنچه رابطه آزمون‌های رفتار سازشی و مقیاس وکسلر را تبیین می‌کند، محتوای این آزمون‌ها است که در مؤلفه‌های مختلفی از قبیل سازماندهی ادراکی و ساخت منطقی اشتراک دارند.

از سوی دیگر، نتایج به‌دست آمده از محاسبه همبستگی بین مقیاس رفتار سازشی و پاره‌های تست‌های وکسلر حاکی از آن است که هر چه خشونت، رفتار ضداجتماعی و رفتارهای اجتماعی نامناسب دیگر افزایش یابد، میزان نمره طراز شده به‌دست آمده در هر پاره تست کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، با افزایش هوش کلامی، غیرکلامی و کلی، رفتارهای سازش‌نا یافته کاهش یافته است.

- براساس آزمون‌های پیازه و وکسلر، مجله پژوهش دانشگاه اصفهان، جلد نهم شماره‌های ۱ و ۲.
۴. دادستان، پریخ (۱۳۷۰) بررسی هوش، اثر منتشر نشده.
5. American Psychiatric Association (1994). Diagnostic and statistical Manual of Mental Disorders. Fourth Edition Revised DSM IV. Washington D.C: American Psychiatric Association.
۶. منصور، محمود (۱۳۷۴). عقب‌ماندگی ذهنی از DSMIII تا DSMIV اثر چاپ نشده.
7. Luckasson, R. et al. (1992). Mental retardation: Definition, classification and systems of support. Washington, DC: American Association on Mental Retardation.
۸. شهنی بیلاق، مینجه (۱۳۷۴) میزان‌سازی مقیاس رفتار سازشی برای دانش‌آموزان مدارس ابتدایی، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، سال ۲، شماره‌های ۱ و ۲ صفحه ۱۱۴-۱۳۱.
۹. سیف نراقی، مریم و نادری، عزت‌اله (۱۳۸۰) روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، تهران: انتشارات ارسباران.
۱۰. افروز، غلامعلی (۱۳۷۱) مقدمه‌ای بر روان‌شناسی و آموزش پرورش کودکان عقب‌مانده ذهنی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. شهیم، سیما (۱۳۷۳) مقیاس تجدید نظر شده هوش وکسلر برای کودکان، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
12. Groth - Marnat, G (1990). Handbook of Psychological Assessment. Second Edition, John wiley and sons, U.S.A.

در تحلیل نهایی به این نتیجه دست می‌یابیم که برای تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی بهتر است از مجموعه‌ای از آزمون‌ها استفاده کرد و فقط به یک آزمون اکتفا نشود تا از تشخیص‌های غیرمنطقی و غیرواقعی اجتناب شود.

پیشنهادها

۱. در صورت به‌کارگیری ابزارهای پژوهش قابل‌کاربرد در سنین بالاتر از سیزده سال، می‌توان در جهت تکمیل، تعمیم و مقایسه نتایج اقدام کرد. مسلّم است که به‌منظور اجرای این پیشنهاد، باید مقیاس وکسلر را در نوجوانان ۱۳ تا ۱۶ ساله ایرانی هنجارگزینی کرد.
۲. به‌کارگیری روش‌های یادگیری تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی، مانند مقیاس بینه - سیمن، می‌تواند به ارزیابی کامل‌تری در موضوع مطرح شده بینجامد.

منابع

۱. پرون، م. پرون، ر. (۱۳۷۶) روان‌شناسی بالینی، ترجمه پریخ دادستان و محمود منصور، تهران: انتشارات بعثت.
۲. منصور، محمود (۱۳۷۰) تحول روانی در کودکان عقب‌مانده ذهنی، نشریه انجمن علمی کودکان استثنایی ایران، سال اول، شماره ۲، صفحات ۳۹-۴۵.
۳. کجاف، محمد باقر (۱۳۷۷) بررسی تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی

